

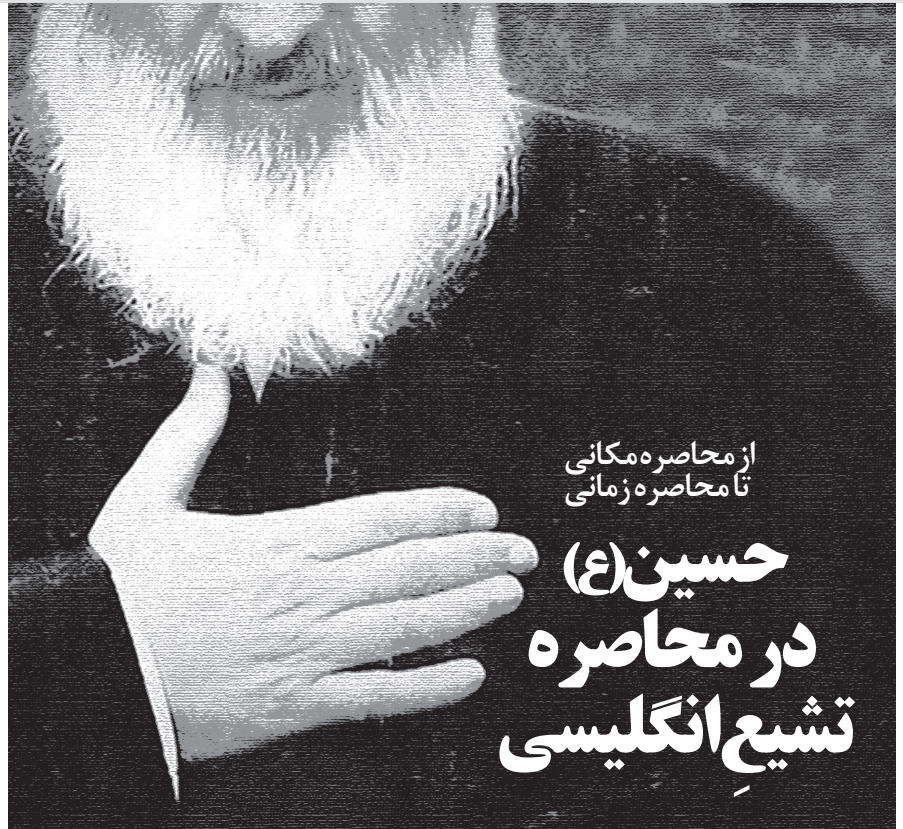
ویژه نامه روزانه محرم الحرام



برادران شیطان

«تشیع انگلیسی» یا «شیعه لندنی»؛ اصطلاحی که مدتی است بر سر زبانها افتاده است. پس از «اسلام آمریکایی» که امام خمینی (ره) در برابر اسلام ناب محمدی تبیین کردند، رهبران انقلاب و نخبگان کشور از تهدیدی به نام «تشیع انگلیسی» پرده برداشتند. تشیعی که در واقع، شعبه ای از «اسلام آمریکایی» است. از لندن و با حمایت سرویس اطلاعاتی این کشور حمایت و ترویج می شود تا محصول نهایی «تفرقه» را در کشورهای اسلامی برداشت کند. تشیعی که با هزینه های سنگین تبلیغاتی تمام توان خود را برای پیوند «شیعه» با «خشونت» و «حماقت» و قرار دادن آن در مقابل سایر فرق اسلامی تجمیع کرده است. شعبه ی دیگر اسلام آمریکایی، «تسنن آمریکایی» است. رهبر انقلاب در موارد و مناسبت های مختلف نیز بر کلیدواژه های «تسنن آمریکایی» و «تشیع آمریکایی» تاکید داشته اند. در آخرین مورد نیز ایشان در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در بیانانشان در حرم مطهر امام بار دیگر ضمن تبیین اختلاف افکنی آمریکا در میان شیعه و سنی تصریح کردند: «به این، هم شیعه توجه کند هم سنی. بازی دشمن را نخورند. آن تسننی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن صادر شود به دنیا، اینها مثل هم هستند. هر دو برادران شیطان هستند و هر دو عوامل آمریکا و غرب و استکبار هستند.»

«... به میدان آزمایش می روی که در يك طرف کفر است با تمام امکانات و در طرف دیگر جوانان سلحشور با ایمان که برای حق مبارزه می کنند، برای هدفشان و مکتبشان و وقتی این چنین می اندیشی خود را در کنار همه آنها و جزو یارانشان احساس می کنی گویی در کنار حسین (ع) فریاد «هل من ناصر ینصرنی» اش را پاسخ گفته ای و دیگر برایت مرگ مفهومی ندارد، چه زیبا و باشکوه است این گونه زیستن و این گونه مردن.»
شهید بهروز ابوحمزه



از محاصره مکانی
تا محاصره زمانی

حسین (ع) در محاصره تشیع انگلیسی

طوری تربیت کرد که نمی توانستند گرسنگی مسکین و یتیم و اسیر را تحمل کنند. خطبه منارا بخوانید تا ببینید امام حسین در چه خانه ای و با چه دغدغه هایی تربیت شده است.

– امروز مجالس و محافل و خانه های آن چنانی وجود دارد که صاحبان آن غرق در بی دردی هستند و باین همه باز دم از فاطمه (س) می زنند. این از مظلومیت اهل بیت (ع) است. اگر ما آن روز در آن مسجد که حضرت علی (ع) در حالت رکوع انگشتر خود را به آن سائل دارد، بودیم چه می کردیم؟ شاید بهترین کاری که می کردیم این بود که می ایستادیم به نماز خواندن و آن سائل را به یک نفر دیگر حواله می دادیم! اما آن کسی که احساس مسئولیت می کند و مشکل را برطرف می کند، امیرالمومنین (ع) است. و آیه نازل می شود که ولایت از آن این قرائت از دین است که در آن عبادت و معنویت، بهانه ای برای فرار از عدالت و مسئولیت اجتماعی نیست، بلکه بالعکس، معنویت و مسئولیتش دوش بدوش هم است. علی (ع) این گونه است.

– اگر به من بگویند تشیع را در يك جمله خلاصه کن می گویم: «دین همه دین است». امیرالمومنین و حضرت فاطمه (س) مظهر کامل بودن دین هستند. انقلاب اسلامی حرکتی بود برای احیای این قرائت از دین. انسان کامل، امام دین کامل است. اگر دین ناقص شد و «بومن بیعض و یکفر بیعض» شد و عمره و عبادت و حج را قبول داشتیم اما جهاد با طواغیت و مستکبران و عدالت و ساده زیستی آن را قبول نداشتیم آن وقت است که دین شقه شقه می شود و دیگر نیازی هم به انسان کامل نیست. امامت برای این است که دین کامل را حفظ کنیم.

وحید جلیلی در جمع مداحان/ محرم ۱۳۹۴

– يك عده در کربلا، کاروان امام حسین (ع) را از لحاظ مکانی محاصره کردند و گفتند: حق ندارید پایتان را از این نقطه جلوتر بگذارید. امروز نیز يك عده به نام تشیع و ولایت، علم برداشته اند و می گویند امام حسین (ع) را باید در محاصره «زمان» نگهداریم و پرچم حسین (ع) حق ندارد از سال ۶۱ هجری يك قدم این طرف تر بیاید. آن چیزی که رهبر ما اسمش را گذاشتند «تشیع انگلیسی و لندنی»، حرفش این است که کاروان سیدالشهدا و علم مبارزه با طاغوت و ستم و استکبار، حق ندارد قدمی از عاشورای ۶۱ هجری جلوتر بیاید و باید در همان دوره زمانی دفن شود. بعضا قمه هم می زنند ادعای ولایت هم دارند اما می خواهند امام حسین را محصور و محدود کنند.

– ما امروز باید این محاصره را بشکنیم و مداحان، خط شکن های این محاصره هستیم. انقلاب اسلامی آغاز شکستن این محاصره در دنیای معاصر است. شیعه انگلیسی می خواهد نگذارد پیام امام حسین (ع) به امروز برسد و علیه شیاطین و مستکبرین و ستمگران زمان استفاده شود. خیلی مراقبت می کنند که مبادا از مجالس ما، از عزاداری ما، از اشک ما بر امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) کوچک ترین گردی بر دامان کبریا ی مستکبران عالم بنشیند! مراقب هستند مبادا آمریکا و دیگر یزیدی های زمان از عزاداری های ما ناراحت شوند و مبادا از این عزاداری به طواغیت عالم این حس دست بدهد که پرچم امام حسین (ع) ممکن است آن ها را هم مثل یزید تهدید یا سرنگون کند!

– امروز کسانی هستند که در يك زندگی غرق در تجملات و در انواع و اقسام بی مسئولیتی ها گرفتار هستند و دم از ولایت و حب علی (ع) و فاطمه (س) هم می زنند. این از مظلومیت اهل بیت (ع) است. آن فاطمه ای که در قرآن معرفی شده است، بچه هایش را



توصیه‌های یک دیپلمات به عباس بن علی

می‌شد و ما نیروهای ارزشمند و بی‌نظیر جبهه‌حسینی را به این راحتی از دست نمی‌دادیم و به موازات آن، مخفیانه به کادرسازی و یارگیری و تربیت نیروی مضاعف می‌پرداختیم تا احبانا اگر خدایی نکرده يك روز ضرورت اقدام نظامی هم پیش آمد، با عده و عدهٔ کافی و از موضع قدرت وارد عرصهٔ نبرد می‌شدیم؟! مثلاً خود شما آقا جان! من شنیده‌ام شب عاشورا برایتان امان‌نامه آورده‌اند. خوب این یعنی يك فرصت بسیار عالی! در دیپلماسی، ما به این جور اقدامات از طرف دشمن، اصطلاحاً می‌گوییم «چراغ سبز»! شاید می‌شد به بهانهٔ این اقدام جلسه‌ای ترتیب داده شود، چانه زنی شود، بده بستن انجام شود! ولی شما به راحتی این فرصت را از دست دادید و با يك ادبیات تند، امان‌نامه را رد کردید!

ببینید آقا جان! من نمی‌گویم که شما باید امان دشمن را می‌پذیرفتید و حسین را راهی می‌کردید. زبان لال... خاک برداهتم...

حرف من این است که آوردن این امان‌نامه می‌توانست يك فرصت باشد برای رایزنی و مذاکره حداقل برای رفع تحریم آب! بگذریم اصلاً...

حرف در این باره زیاد است. راستی آقا جان باز هم بگویم این حرف‌ها همه‌اش از سر دلسوزی بود ها! و گرنه من شما را بی‌نهایت دوست دارم!

مخلص شما - دیپلمات

از کتاب «توجیه‌المسائل کربلا»

ما امروز در حرفهٔ خودمان اصطلاحی داریم با عنوان «رایزنی دیپلماتیک»! من هر چه فکر می‌کنم می‌بینم با رایزنی‌های دیپلماتیک می‌شد جلوی این فاجعه را گرفت! شوخی که نیست! سر پسر پیغمبر خدا و بهترین اعوان و انصارش بر نیزهٔ جفا رفت و اهل بیت مظلوم و زن و بچهٔ معصومش، چهل روز آوارهٔ سفر اسارت شدند آن هم با آن اوصافی که می‌دانید و می‌دانیم! آیا این هزینهٔ کمی بود؟! آیا ارزش نداشت برای جلوگیری از این هزینهٔ گزافه با طرف مقابل راه می‌آمدیم و اینقدر روی موضع خودمان پافشاری نمی‌کردیم؟! فدایتان شوم! لطفاً احساسی برخورد نکنید! بیایید کمی منطقی باشیم!

يك طرف يك لشگر سی هزار نفری با پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و با ثروت انبوه و امکانات مادی فراوان و يك طرف دیگر هفتاد و دو نفر. فقط هفتاد و دو نفر. عقل چه حکم می‌کند؟! نه! واقعا عقل چه حکم می‌کند غیر از رایزنی و تعامل؟! بالاخره آدم هر قدر هم که پلید باشد دیگر از شیطان که بدتر نیست! هست؟! شمر و عمر سعد خیلی که بد بودند، نهایتاً شیطان بودند! خوب، ما الان در کشور خودمان داریم این مسیر را تجربه می‌کنیم. داریم با شیطان مذاکره می‌کنیم. آن هم شیطان بزرگ! البته حواسمان خیلی جمع است که يك وقت کلاه سرمان نرود! گفته‌ایم مذاکره باید برد - برد باشد. یعنی هم ما که در جبههٔ حق هستیم سود کنیم و هم شیطان! خوب آیا بهتر نبود همین مدل در کربلا هم پیاده

آقا جان سلام! راستش خیلی وقت بود که می‌خواستم چند کلمه خودمانی باشم در دل کنم. نمی‌دانم! شاید هر کس دیگر غیر از شما بود، از کلمه درد دل استفاده نمی‌کردم. شاید صراحتاً می‌گفتم می‌خواهم چند خط انتقاد کنم، گله کنم یا يك چیزی توی همین مایه‌ها! اما خوب چه کنم که احترام شما خیلی واجب است و الان هم که دارم این حرف‌ها را می‌زنم، دست و پایم می‌لرزد و قلبم دارد از جا کنده می‌شود.

قبلش البته باید این نکته را بگویم که بنده خودم از ارادتمندان شما هستم و همین مراسم عزاداری دههٔ اول محرم، که همه ساله توی وزارت خانه برگزار می‌شود به همت من بوده و خودتان هم که حتماً شاهد بوده‌اید که چقدر تلاش می‌کنم تا این مراسم با مشارکت هر چه بیشتر کارکنان وزارت برگزار شود. منظور اینکه يك وقت خدایی نکرده از حرف‌هایی که می‌خواهم بزنم سوءتفاهم پیش نیاید! می‌دانید آقا جان؟! چند وقت است دارم به این فکر می‌کنم که آیا نمی‌شد جوری عمل کرد که در عاشورای سال ۶۱ هجری آن فاجعهٔ بزرگ پیش نیاید؟! واقعا نمی‌شد؟! با کمال معذرت و با همهٔ احترامی که برای شما قائم باید بگویم که در این ماجرا دو طرف افراط کردند! به نظر من اگر کمی تدبیر و عقلائییت به خرج داده می‌شد، این فاجعه پیش نمی‌آمد! به نظر من، ما مصالح جبههٔ قلیل و ضعیف حسینی را نادیده گرفتیم و با دست خودمان بهترین نیروهای ایمانی و ارزشی زمانه را به مسلخ بردیم!

شعار پیشنهادی امام حسین (ع) برای عزاداری امروز

...والله والله مادر برابر این قضیه [فلسطین] مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزاداری کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید؟! ای می‌گفت بخوانید: «فوجوان اکبر من» یا می‌گفت بگویید: «رَبِّنَا مَضْطَرُّمُ الْوِدَاعِ، الْوِدَاعِ»؟! چیزهایی که من (امام حسین) در عمرم هرگز به این جور شعارهای ذلت آورتن ندادم و يك کلمه از این حرف‌ها را نگفتم. اگر حسین بن علی بود می‌گفت: اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان [نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی] است. شمر هزار و سیصد سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان می‌خورد. مرتب دروغ در مغز ما کردند که این يك مسئله داخلی است، مربوط به عرب و اسرائیل است. آیت الله شهید مطهری

به جای «حسین وای» یک مسئله انقلابی - اسلامی را تکرار کنید

چقدر خوب است که در محافل هیئت‌ها، به مسئله‌ی قرآن - قرآن‌خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه‌خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ با وقت هست که سینه می‌زنند و صدبار با تعبیرات مختلف مثلاً می‌گویند «حسین وای»، خوب این يك کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از «حسین وای» انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. يك وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار می‌کند و حرفی که [با آن] سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، يك مسئله روز، يك مسئله انقلابی، يك مسئله اسلامی، يك معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی با ارزش است، کاری است که هیچ کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعا قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند این‌ها آمیخته کند. لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است.

رهبر انقلاب، ۲۰/۰۸/۱۳۹۲